

یعنی این ترم
امتحانات حضوری
میشه ???



آنچه در این شماره میخوانیم :

قزوین، استان!
اما به وسعت تاریخ

حضوری یا مجازی؟
مصاحبه با دکتر مشهدی ریاست دانشگاه

دیروز غرب گرایی! امروز شرق گرایی!
وای به حال فردا

BTS

جای پای آبله در مسیر کرونا





انعکاس

نشریه انعکاس

شماره ۱۶
آذر ماه ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی پردیس شهید رجایی قزوین

مدیر مسئول: جواد رضایی

سر دبیر: محمد قلی بیگی

گرافیکست و صفحه آرا: محمد جلیوند

خوشنویس: محمدرضا رحمانی

گوینده: مهدی آزاده رنجبر

دبیران کارگروه ها: رضا یوسفی - امیر کشاورز - دانیال طاهر خانی - محمد قلی بیگی

هیئت تحریر: علیرضا نوری - محمد بابایی نژاد - جواد یار که سلخوری - محمد حبیبی - مرثی گونجی - بهنام مولایی - محمد مافی - امیر حسین شهبواری - سجاد چگینی - رضا نانکلی - حسن مهرعلیان - عباس فیض اینانلو - محمدرضا جهانبخش

باتشکر از: رضا امینی - خانم زینب علیخانی

راه های ارتباطی

پیج اینستاگرام

nashrie_enekas_cfu

کانال تلگرامی

nashrie_enekas_cfu

- ۵..... سخن سردبیر
- ۶..... حضوری یا مجازی؟ مصاحبه با دکتر مشهدی
- ۸..... دیروز، شرق گرایی! امروز، غرب گرایی! وای به حال فردا
- ۹..... معرفی کتاب
- ۹..... معرفی فیلم
- ۱۰..... قزوین، استان! اما به وسعت تاریخ
- ۱۱..... داغ های سیاسی
- ۱۱..... شاد باشیم
- ۱۲..... جای پای آبله در مسیر کرونا
- ۱۴..... مهمان ابیاتی، به وسعت پاییز
- ۱۴..... ۱۶ آذر، روز دانشجو مبارک



سخن رهبری

جوان های عزیز ، نوجوان های عزیز

بچه های عزیز من!

قدر این موقعیت و این امکان را بدانید، شماها همان نسلی هستید که این کشور را انشاالله به اوج خواهید رساند.

آرزو های زیادی داریم...

آرمان های بزرگی داریم...

دشمنی های دشمنان هم تا الان هیچ تاثیری نگذاشته...

هیچ غلطی نتونستن بکنند!

میتوانید بر ترفند دشمن فائق بیاید ، میتوانید از سختی ها و موانع عبور کنید و این کشور را

برسانید به آن نقطه ای که مطلوب آرمان های اسلامی و انقلاب اسلامی است ، میتونید!

ما میتوانیم # خون # شهدا # پایمال # نمیشود

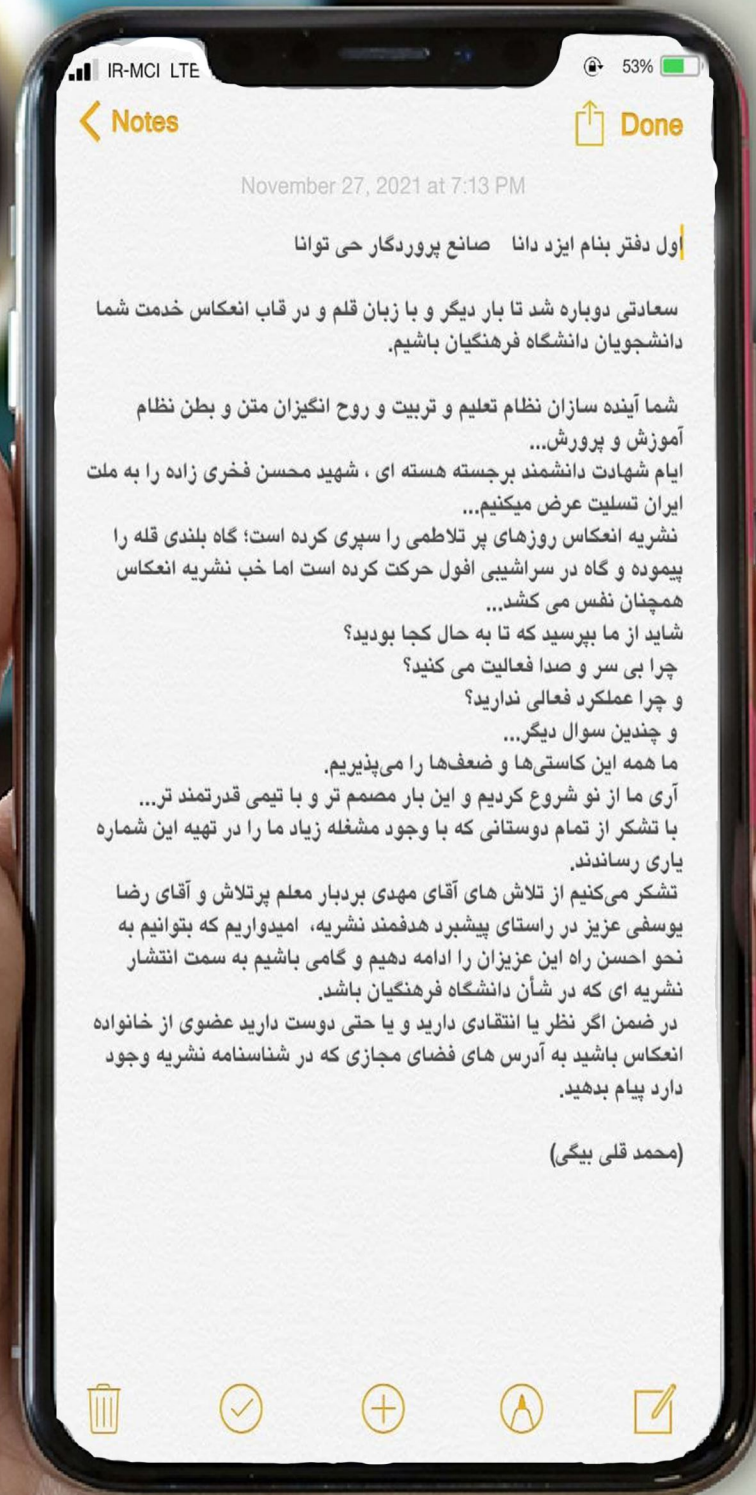


محمّد مخبري زاده

شهيد

اولين سالگرد شهادت پير افتخار دانشمند برجسته هسته اي و موشکي

تسلّيت باد.



IR-MCI LTE

53%

Notes

Done

November 27, 2021 at 7:13 PM

اول دفتر بنام ایزد دانا صانع پروردگار حی توانا

سعادتى دوباره شد تا بار دیگر و با زبان قلم و در قاب انعکاس خدمت شما دانشجویان دانشگاه فرهنگیان باشیم.

شما آینده سازان نظام تعلیم و تربیت و روح انگیزان متن و بطن نظام آموزش و پرورش...

ایام شهادت دانشمند برجسته هسته ای ، شهید محسن فخری زاده را به ملت ایران تسلیت عرض میکنیم...

نشریه انعکاس روزهای پر تلاطمی را سپری کرده است؛ گاه بلندی قله را پیموده و گاه در سرایشی افول حرکت کرده است اما خب نشریه انعکاس همچنان نفس می کشد...

شاید از ما بپرسید که تا به حال کجا بودید؟

چرا بی سر و صدا فعالیت می کنید؟

و چرا عملکرد فعالی ندارید؟

و چندین سوال دیگر...

ما همه این کاستیها و ضعفها را می پذیریم.

آری ما از نو شروع کردیم و این بار مصمم تر و با تیمی قدرتمند تر...

با تشکر از تمام دوستانی که با وجود مشغله زیاد ما را در تهیه این شماره یاری رساندند.

تشکر می کنیم از تلاش های آقای مهدی بردبار معلم پرتلاش و آقای رضا

یوسفی عزیز در راستای پیشبرد هدفمند نشریه، امیدواریم که بتوانیم به

نحو احسن راه این عزیزان را ادامه دهیم و گامی باشیم به سمت انتشار

نشریه ای که در شأن دانشگاه فرهنگیان باشد.

در ضمن اگر نظر یا انتقادی دارید و یا حتی دوست دارید عضوی از خانواده

انعکاس باشید به آدرس های فضای مجازی که در شناسنامه نشریه وجود

دارد پیام بدهید.

(محمد قلی بیگی)



مصاحبه با دکتر حمیدرضا مهدی ریاست دانشگاه فرهنگیان قزوین



به نام خدا

چالش‌های برگزاری حضوری کلاس‌ها و امتحانات.

با سلام به شما جناب آقای دکتر. ممنون که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید.

ما شنیده بودیم که قرار بر بازگشایی دانشگاه‌ها در مقطع کارشناسی در این برهه زمانی هست. در همین حال خبرهایی از بازگشایی مدارس هم شنیده‌ایم و مثل این که از امروز اتفاق‌هایی افتاده است.

ایا قرار بر بازگشایی دانشگاه هست؟ و اگر هست چه زمانی؟

با عرض سلام و روز بخیر و گرامیداشت روز ۱۳ آبان، روز ملی استکبارستیزی و یاد و خاطره شهدای بزرگوار که مدیون آنها هستیم و این ایام به نام آنها نامگذاری شده است.

ابتدا عرض کنم که خوشبختانه هم وضعیت واکسیناسیون و همچنین رنگ بندی استان قزوین، در مجموع وضعیت رضایت‌بخشی است و شرایط، شرایط بهتری نسبت به برخی استان‌هاست. اما تصمیم‌گیری درباره دانشگاه‌ها به صورت کشوری صورت می‌گیرد و همه دانشگاه‌ها یکجا برایشان تصمیم گرفته می‌شود. دلیلش هم این است که دانشگاه‌ها بر خلاف مدارس، میزبان دانشجویان از سایر استان‌ها هم هستند. ما در دانشگاه فرهنگیان قزوین از ۱۷ استان دانشجوی داریم که از این دانشجویان برخی ممکن است در استان‌هایی باشند که از لحاظ رنگ‌بندی در وضعیت قرمز قرار بگیرند. بنابراین ملاحظاتی که در مورد بحث دانشجویی هست با مدارس کاملا متفاوت است.

نکته دومی که درباره دانشگاه‌ها چالشی جدی است، استفاده از خوابگاه‌ها، سالن‌های غذاخوری و امکانات دانشگاه است. فضاها و سراهای دانشجویی با توجه به مشکل کرونا و این که وقتی دانشجو حضور پیدا میکند حتما پنجره‌ها باز باشد و با توجه به این که برای هر فردی که می‌آید، مساحتی معین کرده‌اند، به نظر میرسد استفاده از خوابگاه‌ها، باید بشود هر خوابگاه دو نفر! این موضوع دانشگاه‌ها را با چالش‌های جدی روبرو کرده. اگر قرار باشد خوابگاه‌ها دو نفره استفاده شوند، آن هم به صورت پاره‌وقت، چالشی بسیار جدی است. ما ادامه فضای کنونی را خیلی به نفع کیفیت آموزشی نمی‌بینیم. گرچه رشته‌ها در این زمینه متفاوت هستند. اما بعضا رشته‌هایی داریم مثل تربیت بدنی که دروس عملی فراوانی دارد و ایام کرونا باعث شد که نتوانند با کیفیت این را پیگیری کنند. حتی دروس دیگری که عملی و کارگاهی است و نیاز دارد دانشجو حتما حضور پیدا کند.

خوشبختانه با تدابیری که در دانشگاه اندیشیده شده از نظر فضای خوابگاهی، از نظر تجهیز سالن‌های غذاخوری و تهیه امکانات بهداشتی در فضای خوابگاهی، شرایط دانشگاه نسبتا مطلوب است. منتها با توجه استانداردهایی که در حال حاضر اعلام شده، به نظر نمی‌رسد ما همانند مدارس به زودی شاهد بازگشایی دانشگاه حداقل در هفته‌های اخیر باشیم.

باز هم عرض میکنم به دلیل این که دانشجویان از استان‌های مختلف هستند، هم بحث رفت و آمد آنها - که باید سوار اتوبوس بشوند - هم بحث اسکانشان و... مطرح است. در عین حال، هم در استان جلساتی برگزار شد هم در سطح کشور. دستور ریاست محترم جمهور هم این بود که بازگشایی در مدارس و دانشگاه‌ها صورت بگیرد. ما امیدواریم با تدابیری که اندیشیده شده، بتوانیم حداقل چند هفته به صورت حضوری میزبان دانشجویان عزیزمان باشیم و همینطور امیدواریم بتوانیم امتحانات را به طور حضوری برگزار کنیم و اگر نواقصی هم هست، در چند هفته رفع بشود که شروع ترم آینده را بتوانیم به طور کامل با حضور دانشجویان عزیزمان برگزار بکنیم. به نظر می‌رسد با توسعه پوشش واکسن در کشور و به خصوص در استان قزوین - که برخی آمارها حکایت از واکسینه شدن جمعیتی بیش از ۸۰ درصد اول در استان دارد که نوبدبخش روزهای بهتری است ان شاءالله - شرایط برای این که بتوانیم در هفته‌های آتی حداقل چند هفته حضوری بچه‌ها را در دانشگاه داشته باشیم در حال فراهم شدن است و به لطف خدا ان شاءالله شاید بتوانیم کاملا حضوری در خدمت دانشجویان باشیم. ان شاءالله.

الان به ذهنم رسید که اگر بخواهد حضوری بشود، اگر الزام به حضور دانشجویان باشد، این چالش‌هایی که فرمودید، خیلی بزرگ خواهد بود. مدارس را که بررسی کردم متوجه شدم همه مدارس الزام به حضور نیست؛ یعنی کلاس حضوری برگزار می‌شود، همزمان هم برای دانش‌آموزان به صورت مجازی پخش می‌شود.

در مدارس به گونه‌ای برنامه ریزی کرده‌اند که به خصوص در دبیرستان‌ها که از امروز آغاز شد، هر دانش‌آموز در طول هفته یک روز امکان رفتن به مدرسه را دارد. البته خود این هم چالشی است. آن روز سه درس هست. درس‌های دیگر چطور؟

در دانشگاه‌ها هم با همین چالش مواجه هستیم. نه ما و نه هیچ دانشگاهی در کشور کلاس‌هایش به طور صددرصد مجهز نیست به امکانات فیلم‌برداری و ارسال تصویر برای دانشجو. شما تصور کنید بخشی آمدند و بخشی هم قرار شد از طریق مجازی پیگیری بکنند. هیچ دانشگاهی در کشور همه کلاس‌هایش

امکان تصویربرداری و ضبط صدا و همزمان ارسال آن را ندارد. این که ۱۰ دانشجوی سر کلاس و ۲۰ دانشجو هم در خانه همه بخوانند ببینند، این کار پیچیده‌ای است. این امکان برای هیچ دانشگاهی فراهم نیست. به نظر می‌رسد اگر هم این اتفاق قرار باشد بیافتد، برای درس‌های به خصوص است. تصور کنید دانشجویان تربیت بدنی ما درس عملی آمادگی جسمانی دارند. این درس باید حتماً با حضور در باشگاه و زیر نظر مربی باشد. این نمی‌شود به صورت مجازی به صورت صد درصد کار کرد. یا مثلاً فرض کنید رشته آموزش و پرورش استثنایی، درس خط بریل دارند. این را دیگر نمی‌شود با فیلم کار کرد. یا دروس دیگری مثل راهبردهای تدریس، کارورزی و دروسی از این قبیل. به نظر می‌رسد اگر این ترم شاهد بازگشایی باشیم، اولویت‌مان بیشتر روی این گونه درس‌هاست. اما برخی دروس که حداقل فعلاً در فضای مجازی خیلی با مشکل مواجه نیستیم، در اولویت دانشگاه نیست.

فرمودید کارورزی؛ اگر مدارس حضوری شود، کارورزی‌ها حضوری میشوند؟

البته بخشی از دانشجویان ما اکنون هم حضوری هستند و این که روستاها که جمعیتشان کم بوده و بچه‌ها در آن ساکن هستند، در ابتدا هم حضوری می‌رفتند. اما بله. اگر مدارس حضوری شود، بچه‌ها با رعایت پروتکل‌ها در روز کارورزی به صورت حضوری به مدارس خواهند رفت. پس اولویت‌بندی، از منظر واحد‌هاست.

بله هم از نظر واحدها، هم رشته‌ها، هم اولویت‌بندی‌ای که می‌شود و هم نیازی که استاد و دانشگاه و گروه احساس می‌کند. به خصوص در دروس عملی، کارگاهی و... که در فضای مجازی علی‌رغم تمامی پیشرفتی که کردیم در این مدت، کماکان در این قسمت با چالش‌هایی مواجه هستیم. بنابراین روی این قسمت داریم تمرکزمان را می‌گذاریم. می‌دانید که این ترم در هفته هشتم هستیم یعنی در حالت عادی ۶-۷ هفته باقی مانده است. امیدواریم شاید بتوانیم ۲-۳ هفته برای این گونه درس‌ها با کسب مجوز از ستاد ملی کرونا و ستادهای استانی، شاهد حضور برخی از دانشجویان در دانشگاه باشیم.

آیا برای امتحانات برنامه‌ریزی در این زمینه شده است؟

از ترم‌های گذشته بر اساس مصوبه‌ای که وزارت علوم داشت و به دنبال آن مصوبه‌ای که سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان کشور داشت، سعی کردیم که نمرات را از انتهای ترم، به طول ترم منتقل کنیم که این اتفاق کم‌وبیش هم در دانشگاه رخ داد- یعنی این‌طور نباشد که ۲۰ نمره فقط پایان ترم باشد. بلکه با فعالیت‌های عملی و آزمون‌هایی که در طول ترم رخ می‌دهد، کمک کنیم که این بار ۲۰ نمره از پایان ترم برداشته شود. این اتفاق خوشبختانه در اکثر دروس رخ داده است که به نظرم اتفاقاً فرهنگ خوبی است که جا بیافتد. بنده به زعم خودم خوشحال می‌شوم اگر این فرهنگ بعد از حضور بچه‌ها هم ادامه پیدا کند و ما شاهد تمرکز و تراکم مواد یادگرفتنی در انتهای ترم باشیم و این توزیع بشود در طول ترم. این اتفاق خدارا شکر تا الان افتاده است و فقط بخشی از نمره به پایان ترم اختصاص پیدا کرده. این سیاست این ترم هم هست و به همین شکل ایجاد میشود.

امیدواریم با بهتر شدن شرایط حتی بتوانیم بخشی از آزمون‌ها را هم حضوری برگزار کنیم. منتها با توجه به ویژه بودن شرایط دانشگاه‌ها، باز هم باید شرایط اسکان را در نظر بگیریم. یعنی دانشجو نمی‌تواند رفت و آمد کند و باید اسکان پیدا کند. حالا وقتی اسکان پیدا کند، خوابگاه می‌خواهد، سالن غذاخوری می‌خواهد، سرویس بهداشتی و حمام مشترک است، باید از آنها تست گرفته شود به طور مداوم، خانواده‌هایشان باید سالم باشند و... و... بحث‌های این‌چنینی مطرح می‌شود. اینها چالش‌هایی است که برگزاری حضوری امتحانات را با ابهام مواجه کرده است. ولی تلاش می‌کنیم شاید بتوانیم بخش از امتحان را به این شکل برگزار کنیم. اما در وهله اول برای ما سلامت دانشجویان مهم است. یعنی باید مطمئن باشیم که از این شرایط هیچ دانشجویی آسیب نمی‌بیند. اول سلامتی دانشجویان، بعد سایر موارد. اگر بتوانیم در این چارچوب کارهایی را انجام بدهیم.

دانشگاه ما و حتی دانشگاه‌های دیگر کلاس‌هایی بعضاً را با ظرفیت ۴۰ نفری تشکیل داده‌اند. این که فرمودید بعضی از درس‌ها برگزار شوند، حتی اگر همین دروس هم بخوانند برگزار شوند، چه تدبیری اندیشیده شده است؟ اگر آن کلاس خواست برگزار شود، این ۴۰ نفر کجا بروند؟ با هم تشکیل نمی‌شود. مثلاً اگر ۴ هفته تشکیل شد، در قالب ۲ یا حتی ۳ گروه این اتفاق می‌افتد و با یک دوم یا حداکثر یک سوم ظرفیت، کلاس برگزار می‌شود. بله امکان این که همه دانشجویان با هم حضور پیدا کنند، اصلاً وجود ندارد. در مدارس هم همین‌طور است. فقط ۵۰ ظرفیت کلاس، آن هم در یک هفته. مگر یک کلاسی که واقعا حجمش کم باشد مثل تربیت بدنی ما که مثلاً کلاس ۱۸ نفره در یک سالن هستند. اما در کلاس‌های حضوری اگر این اتفاق بیافتد، با یک سوم یا حداکثر یک دوم ظرفیت کلاس‌ها تشکیل می‌شود.

آخرین سوال جناب آقای دکتر.

بعضی دانشجویان متأسفانه واکسن نزده‌اند. در زمان حضوری شدن از حضور آنها ممانعت می‌شود؟

ما خوشبختانه جزء اولین دانشگاه‌هایی بودیم که با توجه به این که خودمان هم مرکز جمعیتی واکسیناسیون بودیم، شرایط را فراهم کردیم که بچه‌ها اگر می‌خواهند، اینجا واکسن بزنند. مجدداً لیستی تهیه شد از دانشجویان و فراخوان زده شد که اگر کسی هنوز واکسن نزده است، بزنند. بله مطابق با مصوبه ستاد ملی کرونا، همان‌طور که از کارکنانی که واکسینه نشده‌اند برای ورود به دانشگاه ممانعت می‌شود - که البته خوشبختانه همه کارکنان ما واکسن زده‌اند - در مورد دانشجویان هم شرط حضور در امتحان و کلاس درس، تزریق دو دوز واکسن و داشتن کارت دیجیتال واکسن است.

خیلی متشکرم از توضیحات و وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

بابت پیگیری از شما تشکر میکنم و آرزوی توفیق دارم.



در چند سال گذشته موج کره ای در ایران به ویژه نوجوانان و جوانان رواج یافته است در حالیکه معلمان و اولیا از آن بی اطلاع هستند ولی فرزندان جامعه به آن مبتلا شده اند. وقتی حرفی از تهاجم فرهنگی می شود فکر و ذکر همه به سمت و سوی اروپا و آمریکا می رود چرا؟ چون تا الان فکر میکردیم تهاجم فرهنگی تنها فقط برای اروپا و آمریکاست غافل از این که تهاجم فرهنگی در شرق هم گسترش یافته است؛ بگذارید بیشتر از سیاستگذاری این مهمان ناخوانده سخن بگویم...

مقصود از موج کره ای گسترش و اقبال به تولیدات رسانه ای و فرهنگ عامه پسند کره جنوبی است که در زبان کره به آن هالیو گفته می شود. هالیو عمدتاً به سه شکل است:

(۱) نمایشهای تلویزیونی

(۲) فیلم ها

(۳) موسیقی

این موج فراتر از یک پدیده فرهنگی، قدرتمایی کرد، به گونه ای که میلیارد ها دلار به اقتصاد کره جنوبی تزریق کرد به قولی همانطور که ژاپن با صنعت انیمیشن توانست به محبوبیت جهانی دست یابد کره جنوبی نیز با موج کره ای به محبوبیت فراوانی رسید.

کره در راهبرد فرهنگی خود دو هدف را مد نظر قرار داده بود که هر کدام را با زیرکی دقیق به هدف رساند: اولاً تلاش کرد تا از طریق موج کره ای تصویر کشور و فرهنگ کره را در میان کشورهای همسایه و سایر کشورها مطلوب نشان دهد و فرهنگ خود را جهانی سازد. اولین کشوری که در موج اول کره ای مجذوب فرهنگ کره شد و خود را تسلیم و شیفته فرهنگ کره کرد تایلند بود سپس سایر کشورهای آسیای شرقی به موجهای کره ای جذب شدند و در نهایت کشورهای اروپایی و آمریکا از طرفداران صنایع رسانه ای و فرهنگی کره شدند و خود را تسلیم فرهنگ کره کردند.

هدف دوم نیز در راستای درآمدزایی و گسترش اقتصاد قرار بود که در این هدف نیز به موفقیت رسید و اقتصاد خود را با گسترش فرهنگ خود رونق بخشید و این جای تامل است که کشوری اقتصاد خود را با القای فرهنگ خود رونق بخشید...

به نقل از برخی پژوهشگران، اخیراً میزان محبوبیت این سبک موسیقی عامه پسند در ایران به ویژه در میان طیف دختران، نفوذ قابل توجهی یافته است. آغاز جذب به اکسو و کی پاپ از طریق سبک موسیقی و نوع رقص خاص تند و سریع این گروه، پر تکرار ترین و اصلی ترین علت جذب هواداران است. من پژوهش گر نیستم اما بسیار جوانان و نوجوانانی را دیدم که هوادار این گروه های موسیقی هستند.

نه! بگذارید اصلاح کنم من بسیار جوانان و نوجوانانی دیدم که خودباخته گروه های خواننده هستند که تشخیص مرد یا زن بودنشان سخت است. ولی آیا برنامه ریزان فرهنگی از این جنگ نرم تمام عیار اطلاع دارند؟ آیا مسئولین امنیت فرهنگی به این موضوع پی برده اند؟

آیا آموزش و پرورش که نسل فردا را تربیت می کند این موضوع را حس کرده اند؟

آیا متریبیان و معلمان جامعه می دانند در برخورد با این تخریب فرهنگی چه کنند؟

آری! وقتی نوجوانی شکل و شمایل خود را شبیه خواننده های می کند که معلوم نیست زن اند یا مرد آن وقت می فهمیم ما چقدر ضعیف فرهنگی داریم. وقتی نوجوانی از کیف و کفش گرفته تا مداد و دفتر همه لوازم تحریر خود را طرح خواننده های کره ای می خرد آن وقت ما می فهمیم چقدر ضعیف عمل کردیم. وقتی دانش آموزان این مرز و بوم در پیام رسان ها در هزاران چالش و گروه و کانال هواداری خواننده های کره ای ۲۴ ساعت فعالیت می کنند و روی این خواننده ها غیرت دارند آنجاست که می فهمیم امنیت فرهنگی ما به خطر افتاده.

آنجاست که میفهمیم که ما ایرانی ها با فرهنگی چندهزار ساله خود را تسلیم سبک و فرهنگی کردیم که مغایر با آرمان ها و اهداف ماست. این داستان ادامه دارد...

در نشریه هفدهم (شماره بعد) بیشتر از این مهمان ناخوانده خواهم گفت و بیشتر این مسئله را تحلیل خواهیم کرد...



معرفی کتاب و فیلم



محمد مافی

به وقت مطالعه

از جمله مسائل مهم که از زمان های ابتدایی زندگی بشر با آن مواجه بود است مسئله جنگ و تهاجم به کشور ها بوده است. رفته رفته انسان ها متوجه شدند که جنگ رو در رو باعث کشتار و خسارات جبران ناپذیر می شود و باعث ایجاد کینه بین مردم دو کشور می شود. کم کم مهاجمان و استعمار گران به جای استفاده از جنگ افزار به استفاده از رسانه های فرهنگی و شبکه های اجتماعی روی آوردن و باعث تخریب فرهنگی و تهاجم فرهنگی شدند که سبک جدیدی از جنگ بدون خسارت جانی بود، جامعه ای که نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل کند فرو می ریزد و از بین می رود. از کتاب های مطرح در زمینه تهاجم فرهنگی می توان به کتاب فرهنگ مهاجم و فرهنگ مولد نوشته آقای جلال رفیع اشاره کرد. در این بخش به معرفی کتابی در این زمینه می پردازیم؛ این مجموعه مقالات مسلسلی بود که عمدتاً در صفحه دوم روزنامه اطلاعات (زمستان ۷۰) و بعضاً در مجله ادبستان (سال ۶۹ - ۷۰ شماره های ۱۹ - ۱۴) به اقتضای نیازها و مناسباتی پدید آمده در باب فرهنگ و سیاست فرهنگی متوالیا به قلم نویسنده منتشر شد. این مقالات مقارن بود با مطرح شدن مساله تهاجم فرهنگی غرب از سوی مقام معظم رهبری که موجی از تلقی ها و برداشتها و نظریات را در پی داشت. نویسنده در این مقالات که با قلمی طنزآلود و گیرا نگاشته شده به بررسی مساله فرهنگ از یک سو و مساله تهاجم فرهنگی از سوی دیگر پرداخته است. ایشان پس از نگاهی به مساله فرهنگ و اهمیت آن در جامعه ما، برداشتهای متفاوت از آن و نقد راه حلهای سطحی برای مشکلات فرهنگی، به مساله تهاجم فرهنگی می پردازد و ریشه انفعال را در درون جامعه ایران جستجو می کند. ایشان اشاره ای به عملکردهای ضعیف و انفعالی در سیاستهای فرهنگی دارد و به نقد آنها می پردازد. در نهایت برای حل این مشکل، راه حل (فرهنگ مولد) را ارائه می نماید. ایشان معتقد است که تا وقتی ما با تکیه بر سنتها و فرهنگ بومی خود به تولیدات فرهنگی رو نیاوریم با روشهای دیگر نمی توانیم در مقابل تهاجم فرهنگی غرب، توفیقی کسب نماییم. این کتاب فقط به جنگ نرم کشورهای اروپایی و آمریکایی اشاره ندارد و جنگ نرم فقط از سوی این کشور ها نیست، یک نمونه از فرهنگ های مهاجم اخیر فرهنگ کره است که به تاثیرات آن اشاره کوتاهی می کنیم: از جمله جنگ های نرم و تهاجم فرهنگی که چند سالی است کشور ما و دیگر کشور ها درگیر آن شده اند تهاجم به سبک کره ای است مثل فیلم ها و گروه های موسیقی کره ای که به اندازه ای در جهان نفوذ پیدا کرده اند که باعث شده اند در فرهنگ های کشورهای مختلف مانند آمریکا کلمات کره ای به فرهنگنامه آن ها اضافه شود و نمونه دیگر آن در کشور خودمان تبلیغ کلمات و زبان کره ای و پوشیدن لباس به سبک فیلم های کره ای است. شما دانشجویان و معلمان را دعوت میکنیم به مطالعه این کتاب که به وسعت دریاست...



بهنام مولایی

معرفی فیلم

در نتفلیکس، squid game در واقع سریال کره ای بازی مرکب که متمرکز بر یک بازی وحشیانه برای بقا است، در مسیر که داستانی از دوره نیابت Bridgerton (شکست دادن سریالو همچنین تبدیل شدن به بزرگترین) سلطنت در انگلیس است. سریال اصلی پلتفرم نتفلیکس در تاریخ گام برداشته است. داستان سریال اسکوئید گیم حول محور افرادی از طبقات مختلف جامعه می گردد که به دلیل بدهی های زیاد، بسیار نا امید هستند و نقشه ای برای زندگی خود ندارند؛ در این میان، گروهی این افراد را به یک بازی دعوت می کنند! داستان تازه از اینجا شروع می شود که این افراد برای بقا و برنده شدن در بازی باید دست به هر کاری بزنند. با اینکه ژانر این سریال چندان هم جدید نیست، اما استفاده از تصاویر چشمگیر و جذاب، شخصیت های قابل نقد و نمایش طبیعت و ذات انسان، توانسته مخاطبانی در سراسر جهان جذب کند. در سریال بازی مرکب، Squid Game گروهی متشکل از ۴۵۶ نفر، بدهکار و مستأصل، به یک بازی خونین برای بقا کشانده می شوند که در صورت پیروزی در یک سری شش مرحله ای از بازی اسکوئید گیم، این شانس را دارند که با جایزه ۴۵,۶ میلیارد وون کره (۳۹ میلیون دلار) بازی را ترک کنند! اما اگر در بازی اسکوئید گیم ببازید بازی ها به اندازه کافی ساده هستند؛ بازی های دوران کودکی که کره ای ها با آن ها بزرگ شده اند. این تقابل شگفت انگیز بین بازی کودکان با مرگ های خشونت آمیز باعث شده تماشاگران در هنگام دیدن سریال بازی مرکب میخکوب شوند. در Squid Game هوانگ دانگ هیوک، کارگردان سریال مصاحبه ای گفت: «مردم برای این جذب سریال بازی مرکب می شوند که بزرگسالان نا امید جان خود را برای پیروزی در بازی». کودکان به خطر می اندازند. بازی ها ساده و آسان هستند، بنابراین بینندگان می توانند «تمرکز بیشتری بر روی هر شخصیت داشته باشند تا قوانین». پیچیده بازیدر حالت کلی این سریال با اینکه تعداد کمی از آن منتشر شده اما مورد توجه بسیاری از بینندگان قرار گرفته و بستگی به شما دارد که چگونه آن را بخواهید اگر از مشتاقان سریال کره ای هستید می توان به عنوان منبع جدید سریال این موضوع را به شما معرفی کرد.



قزوین پایتخت خوشنویسی



بیا با من به شهر من به گلزار و گلستانش / که قزوین است و میگویند (قزوین) اهل زنجانش چو باشد شهر هوشیاران / سحر خیزند اهل آن زمانی میخورم بادام و گاهی بشکنم پسته / همان پسته که جان بخشد به تو لبهای خندانش ندانی قوت انگور و آن انگور شاهانی / به روی جفته بندی ها؛ گر بگشایی انباش پس از آه می غلطد درون حلق؛ دنداننش فریده / نغز و شیرین است لحن و لفظ قزوینی

دیدن بناهای تاریخی نفیس و با ارزش چنان حسی را در ما القا می کند که گویی در زمان سفر کرده و به چند قرن پیش باز گشته ایم. بی شک تماشای کاخ چهل ستون قزوین نیز چنین حسی را در ما ایجاد خواهد کرد. چرا که اگر بدانید این کاخ باشکوه به دستور شاه طهماسب در دوره صفوی بنا شده و جایی که شما در آنجا ایستاده اید روزگاری پایتخت ایران بوده بدون استثناء حال بسیار عجیب و جالبی به شما دست خواهد داد.

یا اگر وقتی در خیابان سپه قدم میزنید، بدانید که این خیابان، اولین خیابان ایران است حس و حال و هوایی به ما القا میشود که هیچ اپلیکیشن و تلفن هوشمندی نمی تواند آنرا شبیه سازی کند. در واقع زمانی که شاه طهماسب شهر قزوین را پایتخت ایران اعلام کرد، اتفاق های بسیار مهمی در این شهر رقم خورد که دستور ساخت کاخ چهل ستون قزوین نیز یکی از این رویدادهای مهم و تاریخی بود. یک رویداد بسیار زیبا که تاکنون سالم و دست نخورده باقی مانده و بیانگر چند قرن تاریخ و تمدن زیبای ایرانیست. بگذارید سفر کنیم ب گذشته...

شهر قزوین، واقعا چه زمانی و به دست چه کسی بنا نهاده شده؟

بر اساس اسناد و مدارک موجود قدمت و سابقه تاریخی منطقه قزوین به دوران حکومت مادها، در قرن نهم پیش از میلاد، می رسد. در آن زمان، ناحیه کوهستانی جنوب و جنوب غربی قزوین جزئی از قلمرو مادها به شمار می رفت که همواره مورد تاخت و تاز اقوام و قبایل مختلف، از جمله اقوام آشور و کاسی ها، قرار داشت. بررسی آثار بدست آمده از جنوب دشت قزوین در بخش بوئین زهرا، نشان می دهد که در این منطقه در هزاره های چهارم و پنجم پیش از میلاد، زیستگاه جماعت های انسانی بوده است. بنای اولیه شهر قزوین را به شاپور معرف به شاپور ذوالاکتاف نسبت می دهند. شاپور شهر قزوین را برای جلوگیری از تهاجمات دیالمه بنا نهاد و در آن دز و استحکامات به وجود آورد و سپاهیان خود را در آن استقرار داد. به مرور زمان، پایگاه نظامی شاپور توسعه یافت و هسته اصلی شهر قزوین به وجود آمد. راستش را بخواهید قزوین همیشه گلوگاه بوده است چه حالا که زیر گوش پایتخت جا خوش کرده و کلا رنگ و بوی صنعتی گرفته چه صدها سال قبل که یا بر سر راه جاده ابریشم بوده یا بهترین گزینه برای ارتباط با کشورهای آن سوی آب ها. همین گلوگاه بودن سبب شده تا شهری که یادگار شاپور ساسانی است پر از یادگاری های تاریخی باشد، البته هم نشینی با البرز هم بی تاثیر نبوده و قزوین را با آب و هوایی کوهستانی و معتدل و طبیعتی سرسبز جذاب نموده است. شهر خطاطان چیره دست همچون میرعماد حسنی (استاد بزرگ خط نستعلیق) میرزا محمدعلی خیارچی قزوینی (اولین خوشنویسی که بسم الله را به صورت مرغ طغرا ترسیم کرد) از خوشنویسان معاصر می توان از زنده یاد ابوالحسن محمص مستشاری نام برد که هنر خوشنویسی در قزوین به دست ایشان

مجدداً احیا شد که قزوین را به عنوان پایتخت خوشنویسی ایران نمایان کرد که سال ها مورد علاقه صفویان هم بوده، مقصد این باره سفر ماست بگذارید از اقتصاد چند هزار ساله این شهر بگویم...

اقتصاد شهر قزوین از گذشته تا به امروز پررونق بوده است بگونه ای که گمان می رفت در دوران صفویه بعد از انتقال پایتخت از شهر قزوین به شهر اصفهان در عرصه سیاسی و کم شدن توجه به شهر قزوین، اقتصاد این شهر از رونق، فارغ شود. اما بر خلاف این باور، شهر قزوین با موقعیت جغرافیایی عالی و تاریخی و برآورده کردن نیازهای بسیاری از مردم قزوین و شهرهای همجوار همچنان پر رونق ماند و روزگار خوبی را طی کرد...

امروز نیز شهر قزوین با قرار داشتن در موقعیت استراتژیک و مهم در بین شهرهای کشور همچنان اقتصاد پررونقی دارد که می توان به بازار سنتی قزوین اشاره کرد. که موجب میزبانی هم وطنان عزیز از شهرها و استان های دیگر به این شهر شده است. بازار سنتی قزوین مکانی است که هم در گذشته و هم در زمان حال بر رونق این شهر افزوده است این بازار شامل راسته های مختلف سراها گرمابه ها و مهم تر از همه مسجدالنبی است که هر بیننده ای با گذر از آن شاهد این زیبایی است. همچنین اگر بخواهیم اهمیت قزوین از نظر اقتصادی را کامل تر اثبات کنیم، میتوانیم به کاروانسرای بسیار زیبای سعدالسلطنه اشاره کنیم که نشان از اهمیت اقتصادی قزوین داشته...

موقعیت شهر سرسبز و زیبای قزوین و همچنین جاذبه ها و یادگاری های برجای مانده از تاریخ بسیار غنی این شهر، قزوین را به محل سکونت اقوام مختلف از سراسر ایران از جمله ترک، تات فارس، گیلک و کرد تبدیل کرده است و به مقصدی بسیار خوب برای گردشگران (چه ایرانی و چه خارجی) تبدیل شد است. برنامه ریزان فرهنگی و مسئولین علاوه بر این که می توانند از طریق شهرهای زیبای چون قزوین سهم فرهنگ و گردشگری در مسائل اقتصادی را گسترش دهند با همکاری آموزش و پرورش می توانند راهبردی را طراحی کنند که دانش آموزان به جای خودباختگی فرهنگی و شیفته شدن به کشورهای شرقی و غربی شیفته فرهنگ و اصالت غنی جای، جای کشورمان، ایران باشند.

نویسندگان: حسن مهرعلیان، عباس فیض اینانلو، محمدرضا جهانبخشی

سیاسی

محمد حبیبی



داغ های سیاسی



هر کس در هر جایگاه و مرتبه مدیریتی، امانتدار مردمان است و باید اموال و حیثیت و شرافت ایشان را پاسداری کند. امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر در این باره سفارش می کند که درباره اشخاصی که می خواهد برگزیند بدین امر توجه نماید و با بررسی سوابق و عملکرد گذشته شان ببیند آیا اهل امانتداری بوده اند یا خیر.

مسئولین نظام اسلامی باید در رفتار و منش خود دقت بالایی داشته باشند و بدانند هر حرکتی که می کنند در زندگی میلیون ها انسان اثر خواهد گذاشت. یکی از مصادیق این حرکت ها گماشتن افراد به منصب های مختلف است. در این زمینه باید حداکثر دقت صورت گیرد تا هم فرد لایقی انتخاب شود و هم منوط به نظر مردم باشد. فضای مجازی امروزه جهان گسترده را بسیار کوچک کرده است. خبری از شرق جهان به غرب جهان با سرعت مخابره می شود. پس اعمال مسئولین هم در پس پرده نخواهد ماند.

در موضوع انتصابات آقای زاکانی هم همین اتفاق افتاد. انتظار می رود ایشان و سایر مسئولین در انتخاب منش خود واقعا تفکر انقلابی را پیاده کنند نه فقط در شعار.

سجاد چگینی، رضا نانکلی



شاد باشیم



بخش طنز: دوران دانشجویی



احتمالا شما هم مثل من افتخار آشنایی با آموزش مجازو داشتید.. این روزا کمتر کسی پیدا میشه که از برکات این نوع آموزش بی بهره باشه مثلا خود من از کلاس ریاضی هم درس صداقت گرفتم.. همون روز که استاد گفت هر کی صدای منو داره علامت مثبت (+) و هر کی صدامو نداره علامت منفی (-) بفرسته فهمیدم که هیچی به پای صداقت نمیره

البته کاش قبلش میفهمیدم کسی که صدا نداره نمیتونه علامتی بفرسته.. البته این کارزار مجازی برای اساتید عزیز هم بی ثمر نبوده و برای اونها هم درس هایی داشته.. بگذریم از اساتیدی که اصرار داشتن سامانه ها هیچ مشکلی نداره؛ بعضی حتی اصرار داشتن ما هیچ جا مشکل اینترنت هم نداریم.. که خدارو شکر روز به روز دارن متعادل تر میشن تا قبل از دوران دانشجویی همیشه فکر میکردم یه عالمه وام رنگارنگ و تپل به دانشجویها میدن و کلی ازشون حمایت میشه.. تالینکه دانشجو شدم و دیدم حقیقت داره انقدر وام گرفتیم که نمیدونیم کجا هزینه کنیم.. دوستانمون یکی یکی خونه و ماشین میگیرن و متاهل میشن.. من که وقتی بهش فکر میکنم میبینم اینهمه نظم و تدبیر واقعا شگفت انگیزه حتی به قدری منظمه که میشه فعالیت همه کلاسارو پیش بینی کرد..

توجه کنید:

salam

Bale

Bale

seda raft

bale

khaste nabashid

فایده بعدی درس و دانشگاه رشد شدید معنویت دانشجویهاست..

این معنویت مرحله داره که هر دانشجو تو یکی از این مرحله ها حاجت روا میشه

بعضیا از سطح ذکر و نماز طولانی فراتر نمیرن و دسته دیگه با آش و نذری از معنویات بقیه هم کمک میگیرن. اما دسته اخر به ناچار پاشونو فراتر میذارن و معنویات اساتیدم محک میزنن بلکه فرجی بشه.. از شیرینی های دیگه این دوران اولیای دانشجویها هستن که برخلاف گذشت زمان و رشد دلبندهشون اصلا تصورشون از اون فرد و محل تحصیلش

عوض نشده.. مثلا بارها و بارها پیش اومده که اولیای عزیز تغذیه (غالبا شیر کاکائو) فرزندشونو آوردن یا اینکه خیلی مصمم و جدی تشریف آوردن برای پرس و جوی اوضاع تحصیلی دلبندهشون.. قطعا چنین لحظه هایی بقدری برای اون دانشجو شیرین و دلچسبه که محاله از یاد خودش و دوستاش بره.. حتی گزارش شده دانشجویی به پدرش زنگ میزد که بیاد دنبالش و پدر میگفت [یکم دیرتر میرسم، تا با دوستان تو حیاط دانشگاهتون بازی کنی

رسیدم کاش میشد این آخریو از نزدیک زیارت کنم:]

و این بود گوشه ای از حماسه های دوران دانشگاه ما...



جای پای آبله در مسیر کرونا

بیماری آبله از جمله مهمترین بیماری‌های بوده که در طول تاریخ گریبان گیر عده کثیری از جوامع بوده است. در اکثر نوشته‌های طبی قدیمی هم مطالبی در مورد آن به چشم می‌خورد، از جمله برای اولین بار رازی در مورد آن رساله‌ای نوشت که این خود مبین اهمیت این بیماری به عنوان یک معضل اساسی است (۱). در ۱۷۲۳ میلادی این بیماری ۲۰ هزار نفر را در پاریس کشت، ۱۷ سال بعد ۱۶ در صد مردم برلین و ۲۸ سال بعد ۱۶ هزار نفر در ناپل بخاطر ابتلا به آن مردند (۲). ضرورت مبارزه با آبله از گذشته در نظر صاحبان قدرت احساس میشد، به عقیده برخی پیشینه مبارزه با این بیماری به دوران فتحعلی شاه می‌رسد. دکتر آدمیت معتقد است: آبله کوبی از زمان فتحعلی شاه به ایران آمد. دکتر کریمیک، پزشک عباس میرزا رساله‌ای در باب آبله نوشت که منتشر گردید. اما قانون آبله کوبی را امیر کبیر گذاشت.

کشف ادوارد جنر قاعدتا منافع عده ای را به خطر انداخت. شایعات به حدی قوت گرفت که هشدار می دادند **هرکس این واکسن را بزند قسمتی از بدنش به شکل گاو تبدیل می شود!** کاریکاتور زیر را James Gillray بر این اساس و در سال ۱۸۰۲ کشیده است.



(۳) در قرن ۱۹ واکسن آبله توسط ادوارد جنر کشف شد. دکتر کریمیک اولین پزشک خارجی بود که به وسیله معرفی تزریق واکسن آبله گاوی علیه بیماری آبله، جایگاه قابل احترامی در تاریخ طب ایران پیدا کرد. نخستین برنامه دولت ایران برای واکسن زدن به فرمان میرزا تقی خان امیر کبیر آغاز شد، قوانینی به تصویب رسید و در هر شهر، پزشکان و محل‌هایی برای آبله کوبی معین شدند. بنابر نوشته ویلم فلور تاریخدان، امیر کبیر حتی به دلاکان و سلمانی‌ها هم تلقیح آبله را یاد داد و امکان این را در دلاک خانه‌ها فراهم آورد. همچنین وی اقدامات بهداشتی مختلفی انجام داده و کتاب کریمیک در مورد آبله را ترجمه و در روزنامه شماره ۳ وقایع الاتفاقیه مقاله‌ای در این باب به چاپ رسانید. (۴) پس از آغاز آبله کوبی خبر دادند که مردم نمی‌خواهند واکسن بزنند چرا که شیوخ و فالگیرها و دعانویسان شایعه کرده بودند که واکسن زدن باعث راه یافتن جن به خون میشود. امیر کبیر فرمان داد هرکس که حاضر نشود واکسن بزند باید پنج تومان به صندوق دولت بپردازد. تا اینکه به وی خبر رسید که از تمامی شهر تهران و روستاهای آن تنها ۳۳۰ تن آبله کوبیدند و این مقاومت‌ها ۳۰ سال به طول انجامید. در حدود عمق فاجعه میتوان نوشت در بهار ۱۲۷۵ هجری بیش از ۸۰۰ کودک از بیماری آبله جان سپردند و هانری رنه آلمانی مینویسد: زنان ایران اغلب از خطر آبله مصون نمانده و چهره زیبایی نداشتند.

مردمان قاجاری

اکثر جوامع به خصوص جوامع سنتی در برابر تغییر از خود واکنش نشان میدهند و این مسئله ای پیچیده است که در طول زمان و بر اساس رویداد‌های مختلف رخ داده است از جمله تغییر سبک زندگی کشاورزی به مدرنیته صنعتی و یا در ابعاد کوچکتر مقابله با آبله کوبی را میتوان نام برد. چنین واکنش‌هایی دلایل بسیاری دارد. در واقع میتوان گفت ساختار فیزیولوژی انسان به گونه‌ای ترتیب داده شده است که تمام تلاش خود را در جهت حفظ بقاء میکند و هرگونه تغییر در روش‌های زندگی به علت نبود هیچگونه نمونه موفق قبلی و یا احتمال کاهش بقاء موجب مقاومت ناخودآگاه شخص میشود. در بعد خود آگاه میتوان گفت گرایشات جمعی و هنجارهای موجود در جوامع موجب میشود افراد در ابتدای امر در برابر تغییرات مقاومت نشان دهند. در جوامع سنتی نیز اینگونه مسائل به صورت گسترده تری وجود دارد، زیرا که تقسیم کار محدود و ارتباطات بسیار نزدیک در حوزه‌های زندگی و فرهنگی موجب میشود دایره اطلاعات محدود شود و کمتر کسی مطالبی فراتر از حرف‌های رایج جمع بزند. اما آنچه مدرنیته امروزه دچار آن شده است محدودیت نیست بلکه گستردگی هرچه بیشتر اطلاعات و رشد روز افزون علم است به گونه‌ای که افراد قابلیت سازگاری با اتفاقات نوین را نیابند و در صحت و عدم صحت و کارکرد‌های همه چیز در تردید هستند. این مسئله به قدری عمیق است که امروزه هزاران مکتب فکری داریم و انسان مدرن در پی یافتن حقیقت به هر سوئی میدود زیرا تکیه گاهی نییابد که بتوان برای زمانی طولانی به آن اعتماد کرد. حقیقت در نظام فکری انسان مدرن هیچ معنایی ندارد زیرا که تمامی آنچه در علوم انسانی گفته میشود قابلیت انکار از جوانب دیگر را دارد، روانشناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و علمی که در جهت معنا بخشی و فهم بیشتر انسان از خود به وجود آمدند، هیچکدام توانایی تفسیر کاملی نیافتند و با بروز اتفاقات یا سر بر آوردن دانشمندی جدید نظریاتی جدید مطرح شده اند، چنین اتفاقاتی در سایر علوم نیز مرسوم است از جمله تغییرات فیزیک کلاسیک.



اگر راستش را بخواهید در نوشتن این مقاله در ابتدا تمام تلاشم بر روی اثبات اشتباهات کسانی بود که از زد واکسن امتناع ورزیدند، در واقع آنچه بیش از همه برایم اهمیت داشت بررسی شواهد تاریخی موثر در تزریق واکسن بوده، اما حال که به انتهای این مقاله کوتاه میرسیم با بررسی نظام های فکری سنتی و مقایسه آن با تفکرات و علوم نوین مشاهده میکنم نه تنها چنین حوادثی غیر متعارف نیست بلکه کاملاً قابل درک است. بسیاری از دلیل ها بر کار آمدی علم تاکید دارند اما حقیقت امر این است که علم امروزه بشر برایمان در کنار ساخت عینکی برای بهتر دیدن و یا بمب اتم را به ارمان آورده است و به همراه سهولت ارسال اطلاعات، جاسوسی از آن را؛ و برخی علوم انسانی ما مفاهیم پوچ هستی را به اثبات می رساند و علوم زیستی در کنار درمان؛ بیماری را ایجاد کرده است. در واقع آنچه بیش از همه خود نمایی میکند سرعت تغییرات است که انسان امروزی چون تکه ای کاغذ در باد هر روز به سمتی پرتاب شده و دستاویزی برای سکون نیابد درست مانند انسان های سنتی که آنقدر به محتوای فکری و فرهنگی خود خو گرفته اند که ریشه های آنان تا اعماق زمین میرسد و قابلیت تطبیق با مدرنیته را ندارند. در پایان قضاوت را به خوانندگان محول میکنم و نسبت به دیدگاه های خود تعصبی ندارم زیرا که بزرگان باید در این موارد نظری قطعی بدهند.

پایان
مرئضی گونجی

منابع

- ۱- رنان کالین. تاریخ علم کمبریج. ترجمه افشار ح. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵، صفحه ۵۶۴.
- ۲- Rotterdams. Qajar Health Hygiene and beauty. ۲۰۰۳. p. ۳۶-۸.
- ۳- آمیت ف. امیر کبیر و ایران. چاپ پنجم، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۵، صفحه ۲۳۴.
- ادوارد جنر و واکسیناسیون. جی. هاردینگ دینز. انتشارات امیر کبیر ۱۳۶۵
- سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان) ترجمه کیکاووس جهاندار. انتشارات خوارزمی ۱۳۶۱.
- ۴- فلور ویلم. سلامت مردمان زمان قاجار. ترجمه نبی پور ا. بوشهر انتشارات مرکز پژوهش های سلامت خلیج فارس. ۱۳۸۸. صفحه ۴۴.



شاعرانه

شب ، بی تو معنا ندارد
 دلم جز آغوش تو ماوا ندارد
 زندگی جز حس نفس های تو بر گردن من نیست
 زندگی زیباست، وقتی تو بخندی
 زندگی حالاست، که دست در دستم داری
 عطر تنت تصویر سیاه و سفید زندگی را رنگی می کند
 کاش کنار بمانی تا ابد...
 چرا که شوق با تو بودن، سلول به سلول ، رگ به رگ، بند بندم را از هم می گشاید
 لحظه گس انتظار ، جانم را لرزه می اندازد
 آه.. نفسم بند می آید
 تنهایی تنها را چه باید کرد؟!
 نبودش اگر لحظه ای امید
 ساعت کوک سینه ام می افتاد از کار
 قسم به لحظه ی عشق، به لحظه ی رهایی
 عشق من پایدار است، خبری نیست جز بی قراری
 تو شیرین تر از بهشت خدایی
 خوش آن دم که تو باشی و من
 مست مست سرخوش ز هم
 بخندیم و برقصیم و بخوانیم
 تا ابد کنار هم...



جواد یار که سلخوری

از عشق تو این دل شده با خویش گلاویز
 برد از بدنم جان و فرو ریخت دلم را
 ان خنده بی رحم تر از حمله چنگیز
 هیهات از آن قلبی که نبضش در گذشته ست
 فریاد از آن روزی که بی یاور گذشته ست
 مانند طفلی ام که زیر دست و پاهاست
 یا آنکه از عمق دلش خنجر گذشته ست
 با خاطرات قند در دل میشود آب
 آری ولی آن روزها دیگر گذشته ست
 با اینکه کل روزها روز خدایند
 روزی که بوسیدم تو را بهتر گذشته ست
 قطعاً خداهم نیست مایل به گذشتن
 از آنکه از دریای چشم تر گذشته ست
 من دوست دارم به عالم فاش گفتم
 آبی نمانده ! هرچه بود از سر گذشته ست
 تو نوشدارویی که بعد از مرگ سهراب
 یک روز می آیی که عاشق در گذشته است

هستند هزاران ولی انگار ، کسی نیست
 آن یار دل آرام بسی هست بسی نیست
 دوری توانداخت مرا از نفس ای جان
 برگرد که بی روی تو ما را نفسی نیست
 ما را همه خواندند هوسباز و گنه کار
 والله که عشق است در این دل ، هوسی نیست
 دنیای بدون تو شبیه است به زندان
 عمریست اسیریم ولیکن قفسی نیست
 صد همدم و همراه و حشم دارم و لکن
 فریاد که از این همه فریاد رسی نیست
 فریاد از آن چشم دل آرای دل انگیز
 هیهات از این دل که شد از شوق تو لبریز
 ما را به جز اندیشه سرخی لبت نیست
 مهمان کنم ای عشق به یک بوسه ناچیز
 هربار تمنای من از سوی تو رد شد
 اما چه دل آراست همین خواهش و پرهیز
 یک بار تو خندیدی و صد جنگ به پا شد

دانشجویی



* ۱۶ آذر، روز دانشجو *

ترم زندگیتون، بی مشروطی / لحظه ها تون همیشه پاس /
 سایه حذف از زندگیتون به دور / معدل شادیتون ۲۰ باد /
 دانشجو جان روزت مبارک

با عرض بهترین شادباش ها خدمت تمامی دانشجویان، کادر
 وزارت علوم، دست اندرکاران و آزادگان به مناسبت فرا
 رسیدن آذر ماهی دیگر و افتادم شانزدهمین برگ خزان آن...
 هوا بس ناجوانمردانه سرد بود، آه؛ قندیل سفت و سختی،
 چنان خفقانی در جامعه و مغز های آشفته انداخته بود که
 کسی جرات گرما دادن به این جو را نداشت. گویی حق
 گویی و آزادی در تابوت نه توی مرگ اندود پنهان شده...
 صبر کنید، دست نگه دارید؛ در این فضای مه آلود و سرد
 پائیزی، افتادن سه برگ رنگین خزان، چنان صدا و تلاش
 می در میهن انداخته که پاییز آن به گرمی چله تابستان مبدل
 شده و میماند.

دانشجویان یقینا و بی شک از سردستان حامی شعائر
 آزادی، عزت نفس، استکبار ستیزی و حق طلبی بوده و
 هستند.

در هر نقطه ای از این گیتی بی انتها تا حرف و سخنی از
 دانشجو به میان می آید؛ لرزه بر اندام ظالمان و مستکبران
 و حق ستیزان می افتد که مبادا دانشجویی باشد تا بخواهد
 جلوی روششان قد علم کند.

به راستی خوب می دانند که نفس، نیرو و قوت یک
 دانشجو، باز هم تکرار میکنم تنها یک دانشجو، چنان اثر و
 جنبشی دارد که میتواند یک نسل خموش و فسرده را از دل
 و بند تاریکی های سرد بیرون کشد و آن را غرق در گرما و
 نور گرداند...

مطمئناً باید با این نکته برسیم که دانشجویی واقعا دانشجو
 است که بتواند علاوه بر گذراندن درس و تحقیق و پژوهش
 های همیشگی، ارزش های والایی چون ایستادگی، نقد
 و انتقادگری، روشن سازی و روشن گری، امید دادن و
 امیدواری را در خود بپروراند و در صدد اصلاح تفکرات
 منجمد نسل های پیشین و پایه ریزی تقویت روحیه مطالبه
 گری و آزادی در نسل های پسین باشد تا با مولد بودن
 خود، پایه و اساس توسعه و پیشرفت سرزمین خود گردد.
 به راستی که آن روز نزدیک است...

دانشجو جان روزت مبارک

امیر حسین شهسواری

دانیال طاهرخانی